

بررسی تأثیر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر هوش هیجانی و دل‌بستگی در نوجوانان پسر

طیبه جعفری^{۱*}، کریم نیک فر^۲، فاطمه جعفری^۳

۱. دکتری روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه پیام نور زرین‌شهر، اصفهان، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۹۸-۱۰۶

چکیده

امروزه ارتباطات اینترنتی به‌قدری سریع شده است که می‌توان با مردم در سراسر جهان تنها در مدت‌زمان بسیار کمی ارتباط برقرار کرد، به‌طوری‌که واقعاً تفاوت زیادی در مقایسه با ارتباط چهره به چهره دیده نمی‌شود. رسانه‌های اجتماعی نشان‌دهنده یک شبکه ارتباطی در زندگی روزمره است. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر هوش هیجانی و دل‌بستگی در نوجوانان پسر بود. طرح پژوهش، توصیفی از نوع مدل‌های همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان نوجوانان پسر مدارس متوسطه اول و دوم شهر کرج را تشکیل دادند که در نیمسال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه ۳۴۱ نفر دانش‌آموز بود که برای نمونه‌گیری از روش در دسترس استفاده شد. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های هوش هیجانی بار-آن و پرسشنامه دل‌بستگی والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ استفاده شد. داده‌ها با روش همبستگی اسپیرمن تحلیل شد و نتایج نشان داد که بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی با هوش هیجانی و دل‌بستگی رابطه معنادار وجود دارد. می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث کاهش هوش هیجانی و دل‌بستگی در نوجوانان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: رسانه اجتماعی، هوش هیجانی، دل‌بستگی، نوجوان.

مقدمه

امروزه ارتباطات اینترنتی به قدری سریع شده است که می توان با مردم در سراسر جهان تنها در مدت زمان بسیار کمی ارتباط برقرار کرد، به طوری که واقعاً تفاوت زیادی در مقایسه با ارتباط چهره به چهره دیده نمی شود (استیگر و ووندرل^۱، ۲۰۲۲). رسانه های اجتماعی نشان دهنده یک شبکه ارتباطی در زندگی روزمره است (گرا^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). امروزه اینترنت باعث ارتباط بیشتر برای برقراری ارتباط با دوستان شده و در این راستا، وبسایت ها و برنامه هایی که کاربران را قادر می سازد تا محتوایی را ایجاد و به اشتراک بگذارند (بوزول^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). گرچه فناوری های جدید توانسته اند جامعه را متحول کنند، اما نگرانی هایی در مورد پیامدهای فیزیکی، اجتماعی و روانی آن ها ایجاد کرده است. استفاده از رسانه های اجتماعی در سراسر جهان، به ویژه در میان کودکان و نوجوانان شایع است، به طوری که می توان گفت نسل کودک و نوجوان امروز در محیط دیجیتالی احاطه و در آن غوطه ور شده اند؛ و برای استفاده از آن ها هیچ محدودیت زمانی و مکانی وجود ندارد و بخش قابل توجهی از زندگی روزمره را به استفاده از شبکه های اجتماعی اختصاص داده اند (استرن^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). این امکانات موجب شده تعاملات اجتماعی در اینترنت و شبکه های اجتماعی نقش مهمی در زندگی بسیاری از نوجوانان و جوانان ایفا کند، به طوری که بررسی های اخیر در جهان نشان داده است ۹۳ درصد از نوجوانان پانزده تا هفده ساله از کاربران فعال شبکه های اجتماعی هستند. مطابق آمار مرکز جهانی در سال ۲۰۱۸، کاربران اینترنت در ایران حدود ۵۷ میلیون و ۷۰۰ هزار بوده است. در سال ۲۰۰۰ میلادی، تعداد کاربران در ایران ۲۵۰ هزار نفر بوده است که ضریب تأثیر آن در جمعیت حدود ۶۹/۱ درصد گزارش شده است هرچند آمار دقیقی در خصوص تعداد و میزان استفاده کودکان و نوجوانان ایرانی از اینترنت و شبکه های اجتماعی وجود ندارد، اما تحقیقات بین المللی حاکی از آن است که نسبت کودکان و نوجوانانی که از اینترنت استفاده می کنند، با بالا رفتن سن، افزایش می یابد، به طوری که ۶۰ درصد از کودکان پنج تا هشت ساله و ۹۶ درصد دوازده تا چهارده ساله ها استفاده از اینترنت را در سال ۲۰۱۲ گزارش کرده اند (وصال و رحیمی، ۲۰۲۱).

تحقیقات نشان داده ارتباط تنگاتنگی بین هوش هیجانی افراد استفاده از شبکه های اجتماعی وجود دارد. مفهوم هوش هیجانی (EI) به عنوان توانایی درک دقیق، ارزیابی و ابراز احساسات و توانایی برای ابراز افکار و درک احساسات و داشتن دانش عاطفی و تنظیم احساسات برای ارتقای رشد عاطفی و فکری است (سانچز^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). هوش هیجانی بالا یعنی پاسخ به محرک های عاطفی، شناخت - بیان احساسات، آگاهی و مدیریت کامل از احساسات خود و درک احساس دیگران، مهارت های اجتماعی در روابط بین فردی، است (پاپوتیز و همکاران، ۲۰۲۲).

1. Stieger, S & Wunderl
2. Guerra
3. Bazile
4. Stern
5. Sánchez

مسلماً بخشی از هوش هیجانی از سبک دل‌بستگی ایجاد می‌شود. مطالعات به نقش کلیدی دل‌بستگی در خطر استفاده زیاد از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌کنند (لوپز و همکاران، ۲۰۲۲). نظریه دل‌بستگی به یکی از تأثیرگذارترین چارچوب‌ها در علوم اجتماعی و رفتاری تبدیل شده است. این نظریه توسط بالبی برای توضیح صریح پیوند عاطفی کودک با مراقبین ایجاد شد. دامنه دل‌بستگی برای در برگیری ریشه موضوعاتی مانند روابط بزرگسالان، تداوم رشد و تغییر، آسیب‌شناسی روانی توسعه یافت (لوپز و همکاران، ۲۰۲۲). در این حین دل‌بستگی در پاسخ به تغییرات در تشکیل خانواده و روابط، افزایش مشارکت کودکان خردسال در مراقبت و آموزش اولیه برنامه‌ها و تحقیقات اضطرابی در علوم اعصاب رشدی، ژنتیک رفتاری و مولکولی، نظریه تاریخچه زندگی، روان-ایمونولوژی و بسیاری از زمینه‌های دیگر جایگاه مهمی پیدا کرد (تامسون و همکاران، ۲۰۲۲). پیوند یا دل‌بستگی، موجبات امنیت و ایمنی بسیار زیادی را به فردی که بسیار به آن وابسته هستند فراهم می‌کند (راب و همکاران، ۲۰۲۲). دل‌بستگی ناایمن با تعارض در روابط نزدیک، اضطراب اجتماعی و اعتیاد به اینترنت نشان داده شده است فرد از شبکه‌های اجتماعی برای رفع نیاز به دل‌بستگی و جبران مشکلات دل‌بستگی در دنیای واقعی استفاده می‌کند (لوپز و همکاران، ۲۰۲۲).

در همین راستا مطالعات انجام‌شده در ارتباط با تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر هوش هیجانی بیان‌کننده اثر این مؤلفه هست. در پژوهشی که توسط طاهریان و همکاران (۱۳۹۷) با موضوع رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی با هوش شناختی، هوش هیجانی، خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی در کاربران انجام شد به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی در مقایسه با سایر متغیرهای شناختی نقش بیشتری در پیش‌بینی استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارد. همچنین سید موسوی و همکاران (۱۳۹۶) بررسی میزان، انگیزه‌ها و ادراک پیامدهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر مبنای کیفیت رابطه دل‌بستگی و ادراک طرد و کنترل والدینی در نوجوانان به این نتایج دست یافتند که کیفیت رابطه با والدین نقش مهمی در پیش‌بینی میزان استفاده و نوع کاربری شبکه‌های اجتماعی داشته و همچنین می‌تواند بر پیامدهای استفاده از این شبکه‌ها نیز تأثیر بگذارد. همچنین در تحقیقی با هدف بررسی آسیب به هوش هیجانی کودکان با استفاده از رسانه‌های دیجیتال از نبی و وولفر (۲۰۲۲) نتایج حاصل بدین قرار بود که، رفتارهای مرتبط با استفاده از رسانه‌ها توسط والدین در اطراف فرزندان‌شان می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر کودک داشته باشد. درجایی دیگر وورسلی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین بدرفتاری در دوران کودکی و استفاده مشکل‌ساز از رسانه‌های اجتماعی پرداختند که نتایج نشان داد که بدرفتاری در دوران کودکی ممکن است مستقیماً بر استفاده از رسانه‌های اجتماعی تأثیر بگذارد و در پژوهشی یونگ و همکاران (۲۰۲۱) بر اثرات دل‌بستگی اجتماعی بر استفاده مداوم از رسانه‌های اجتماعی کار کردند که به این نتایج رسیدند که دل‌بستگی اجتماعی بر استفاده مداوم از رسانه‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. همچنین در پژوهشی دیگر یانگ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی رابطه بین سبک دل‌بستگی و استفاده از رسانه‌های اجتماعی با سلامت روان و رفاه کاربر پرداختند. و نتایج حاصل بدین‌صورت است که، این رابطه در بین افرادی که دل‌بستگی اجتنابی پایین و دل‌بستگی مضطرب زیاد داشتند، قوی‌ترین بود.

باوجود برخی مطالعات در زمینه استفاده از رسانه‌های اجتماعی، جنبه‌های بسیاری از این رابطه ناشناخته باقی‌مانده و برخی یافته‌ها نیز با یکدیگر هم‌پوشی ندارند. یکی از نکات قابل‌توجه این است که در بیشتر جوامع، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، نوجوانان

بیشترین مصرف کننده این شبکه ها می باشند در صورتی که مطالعه انجام شده در ایران نشان می دهد که گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال بیشترین مصرف کننده این شبکه ها هستند، از سوی دیگر به نظر می رسد انگیزه های گرایش در دختران و پسران متفاوت باشد. به طور کلی شواهد نشان می دهد که با وجود مبانی نظری قدرتمند در خصوص رابطه دل بستگی و هوش هیجانی با استفاده نوجوانان از اینترنت، پژوهش های کمی به بررسی مستقیم به این رابطه پرداخته اند. به ویژه آنکه بیشتر مطالعاتی که متمرکز بر اعتیاد به اینترنت بوده توجه اندکی به کاربر نوجوان در شبکه های اجتماعی شده است. با توجه به فراگیر بودن استفاده از این شبکه ها و سهولت دسترسی به آن ها و دغدغه های موجود در خصوص پیامدهای آن ها، هدف این پژوهش آن بود که گرایش به شبکه های اجتماعی و نحوه رفتار مصرف کننده را در بستر نظریه دل بستگی و هوش هیجانی در رده سنی در معرض خطر، یعنی نوجوانی (۱۳ تا ۱۷ سال) در پسران بررسی کند؛ بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر استفاده از رسانه های اجتماعی بر هوش هیجانی و دل بستگی در نوجوانان پسر می باشد.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش آموزان نوجوانان پسر سنین ۱۲-۱۸ سال مقطع متوسطه شهر کرج را تشکیل می دهند که در نیمسال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند. با توجه به اینکه حداقل حجم نمونه در تحقیقات توصیفی از نوع پیش بین و هم بستگی ۱۰۰ نفر می باشد، اما جهت افزایش اعتبار نتایج، نمونه ای به حجم ۳۴۱ نفر با روش در دسترس از دانش آموزان مدارس متوسطه اول و دوم شهر کرج انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه ابتدا از دانش آموزان مدارس متوسطه اول و دوم شهر کرج شامل مدارس شهدای اکبرآباد، دین و دانش، شهید شهسواری، شهید قاضی، شیخ مفید و شاهد شهید مومنی میباشند به تناسب جمعیت دانش آموزان هر مدرسه انتخاب شدند

ابزار گردآوری داده ها

پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن (EQ-i): اولین مقیاس هوش هیجانی بار- آن در سال ۱۹۸۰ دارای پنج مقیاس یا جنبه (مهارت های درون فردی، مقابله با فشار، سازگاری و خلق کار) و پانزده خرده مقیاس است. این پرسشنامه دارای ۹۰ سؤال است که نخستین پرسشنامه فرا فرهنگی ارزیابی هوش هیجانی است. این آزمون در سه مرحله در ایران اجرا شده و پس از انجام برخی تغییرات در متن اصلی پرسشنامه، حذف یا تغییر بعضی سؤالات و تنظیم مجدد سؤالات هر مقیاس، پرسشنامه از ۱۱۷ سؤال به ۹۰ سؤال تقلیل یافت. دو نوع اساسی از مطالعات پایایی روی (EQ-i) انجام شده است، همسانی درونی و پایایی بازآزمایی میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش گردید این میزان (آلفای محاسبه شده در مرحله سوم) با آلفای محاسبه شده در مرحله دوم آزمون یکسان به دست آمده است. روایی به منظور بررسی اینکه آیا به نظر می آید (روایی صوری) که سؤالات بخش های عمده حیطه ی هر مقیاس و حدود مقیاس را در بر دارند. (روایی محتوا) و مشخص کردن این امر که ساختار اصلی پرسشنامه تا چه حد تأیید شد (روایی عامل). تعیین اینکه خرد مقیاس ها تا چه اندازه سازه مورد نظر را اندازه می گیرند، نه چیز دیگر را (روایی سازه، همگرا، واگرا و گروه مرجع). سنجش قابلیت پرسشنامه در تشخیص و شناسایی افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند از افرادی

که هوش هیجانی پایین دارند. (روایی تشخیصی) و اینکه آیا می توان رفتارهای هوشمندانه رفتاری هوشمندانه هیجانی را در آینده پیش بینی کرد. (روایی پیش بین) انجام شده اند (بار- آن و پارکر^۱، ۲۰۰۶).

پرسشنامه دل بستگی والدین و همسالان^۲ (IPPA): توسط آرمسدن و گرینبرگ^۳ (۱۹۸۷) جهت اندازه گیری ادراک نوجوانان از ابعاد شناختی / عاطفی مثبت و منفی با والدین و دوستان صمیمی طراحی شده که دارای ۷۵ سؤال و ۳ بخش به شرح ۲۵ سؤال برای مادر، ۲۵ سؤال برای پدر و ۲۵ سؤال برای نوجوانان است. پایایی بازآزمایی با سه هفته فاصله برای دل بستگی والدین ۰٫۹۳ و برای همسالان ۰٫۸۶ به دست آمده است. پایایی همسانی درونی برای دل بستگی مادر ۰٫۸۷ و ۰٫۸۹ برای دل بستگی پدر و دل بستگی همسالان ۰٫۹۲ به دست آمده است. در پژوهش خجسته مهر (۱۳۹۲) پایایی این پرسش نامه با روش آلفای کرونباخ و تصنیف محاسبه شد که در دامنه های بین ۰/۷۳ تا ۰/۹۴ به دست آمد. همچنین در همین پژوهش روایی پرسشنامه در روش آزمون مجدد در فاصله سه هفته بر روی یک نمونه ۲۷ نفری از آزمودنی های ۱۸-۲۰ ساله برای دل بستگی به همسالان ۰/۸۶ گزارش شده هست. تجزیه و تحلیل حاصل از این پژوهش با استفاده از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن به وسیله نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ صورت گرفت.

یافته ها

یافته های توصیفی پژوهش نشان داد که از بین جمعیت ۳۴۱ نفر پاسخگو کمترین فراوانی یعنی ۰/۳ مربوط به گروه سنی ۱۸ سال و بالاترین فراوانی یعنی ۴۹/۶ به گروه سنی ۱۵ سال تعلق دارد، در این گروه جمعیت ۱۲ ساله ها ۳/۸ و ۱۳ ساله ها ۸/۸ درصد ۱۴ ساله ها ۲۳/۸ درصد ۱۶ ساله ها ۱۲/۹ درصد و ۱۷ ساله ها ۰/۹ درصد را به خود اختصاص داده اند. همچنین با توجه به نتایج جدول فوق ۶/۲ درصد پاسخگویان ابراز داشتند که استفاده از شبکه های اجتماعی خیلی کم و، ۵/۹ درصد کم، ۵۰/۴ متوسط و ۲۵/۸ درصد زیاد و ۱۱/۷ درصد استفاده از شبکه های اجتماعی خیلی زیاد داشته اند. برای بررسی نرمال بودن از آزمون کولموگروف-اسمرینف استفاده شد.

جدول ۱. آزمون های کولموگروف-اسمرینف

متغیر	آماره	درجه آزادی	معنی داری
استفاده از شبکه های اجتماعی	۰/۲۵۴	۳۴۱	۰/۰۰۰۵
هوش هیجانی	۰/۰۵۲	۳۴۱	۰/۰۲۶
دل بستگی	۰/۰۶۱	۳۴۱	۰/۰۰۴

1. Emotional intelligence questionnaire
2. bar - ane & parker
3. Parent and peer attachment questionnaire
4. Armsden & Greenberg

هرچند نتایج به دست آمده از آزمون کلوموگروف اسمیرنف نشان می دهد که متغیرها در حالت نرمال قرار ندارند اما میزان کشیدگی و چولگی متغیرها که در بازه ± 1 قرار دارند؛ نشان می دهد که می توان آن ها را نرمال فرض کرد. در قسمت اول برون داد گزارش Explore آماره های توصیفی برای متغیرهای پیوسته به شرح ذیل به دست آمده است:

جدول ۲. آماره های توصیفی برای متغیرهای پیوسته

متغیر	میانگین	میانگین ۹۵٪	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
استفاده از شبکه های اجتماعی	۳/۳۱	۳/۳۵	۰/۹۶۹	۱	۵	-۰/۲۸۶	۳۹۰
هوش هیجانی	۳۲۱/۱۳	۳۲۰/۸۸	۴۰/۰۳	۲۱۲	۴۱۵	۰/۰۹۱	-۰/۵۷۰
دل بستگی	۲۸۳/۸۷	۲۷۴/۷۳	۴۲/۰۶	۱۸۱	۳۶۵	-۰/۱۹۹	-۰/۸۷۳

با توجه به نتایج حاصل از نمونه بررسی شده شاخص های آمار توصیفی به شرح زیر است. میانگین استفاده از شبکه های اجتماعی ۳/۳۱ و انحراف استاندارد ۰/۹۶۹، میانگین هوش هیجانی ۳۲۱/۱۳ و انحراف استاندارد ۴۰/۰۳ و میانگین متغیر دل بستگی ۲۸۳/۸۷ و انحراف استاندارد ۴۲/۰۶ می باشد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرها

متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن با هوش هیجانی	معنی داری
استفاده از شبکه های مجازی	-۰/۱۹۴	۰/۰۰۱
استفاده از شبکه های مجازی	-۰/۱۶۴	۰/۰۰۲

به علت ناپارامتریک بودن متغیر استفاده از شبکه های مجازی برای آزمون فرضیه از همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج جدول ۴ نشان می دهد که رابطه معناداری منفی بین هوش هیجانی و استفاده از شبکه های اجتماعی در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. این ضریب همبستگی نشان می دهد که بین این دو متغیر رابطه همبستگی منفی وجود دارد (-۰/۱۹۴)، یعنی با افزایش استفاده از شبکه های اجتماعی هوش هیجانی کاهش می یابد. همچنین با توجه به میزان Sig یا همان معناداری، مشاهده می شود که رابطه این دو متغیر معنادار هست (Sig: ۰/۰۰۱). همچنین نتایج نشان می دهد که رابطه معناداری منفی بین دل بستگی و استفاده از شبکه های اجتماعی در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. این ضریب همبستگی نشان می دهد که بین این دو متغیر رابطه همبستگی منفی وجود دارد (-۰/۱۶۴)، یعنی با افزایش استفاده از شبکه های اجتماعی دل بستگی کاهش می یابد. همچنین با توجه به میزان Sig یا همان معناداری، مشاهده می شود که رابطه این دو متغیر معنادار هست (sig: ۰/۰۰۲).

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر استفاده از شبکه های مجازی با هوش هیجانی در نوجوانان پسر رابطه دارد بدین معنا که فرضیه تأیید شده است که نتایج با پژوهش های طاهریان و همکاران (۱۳۹۷)، نبی و وولفر (۲۰۲۲)، راحیم و همکاران (۲۰۲۱)، جعفری و همکاران (۱۳۹۰) و بهشتیان (۱۳۹۲) همسو می باشد.

در تبیین این یافته می توان گفت شبکه های اجتماعی، فضایی آنلاین هستند که بر ساخت و بازتاب روابط اجتماعی میان افراد تمرکز می کنند. افراد در این فضا به تبادل علایق و فعالیت هایشان می پردازند. شبکه های اجتماعی با شکل دهی جدید به عرصه و

فضای تعاملات رودرروی اجتماعی و کنش های میان فردی موجبات آسیب های اجتماعی و فرهنگی را برای کاربران فراهم کرده است. امروزه وسایل ارتباط مجازی بر زندگی انسان ها سایه افکنده است، و مانند چاقوی دو لبه ای است که می تواند نقاط مثبت و منفی داشته باشد. از آسیب های فضای مجازی آسیب پذیر شدن سلامت روانی نوجوانان است. ضعف مهارت ارتباطی، عزت نفس پایین، افت هوش هیجانی از آسیب های روانی استفاده طولانی مدت از شبکه های مجازی است. کاربران شبکه های مجازی در خودآگاهی، خودتنظیمی، همدلی کردن با دیگران و مهارت های اجتماعی دچار مشکل می شوند. افراط در استفاده از رسانه های اجتماعی می تواند به عنوان یک مشکل روانی که در سه فرآیند شناختی، عاطفی و رفتاری و عملکرد فرد را مختل می کند (بیلگان و تاس^۱، ۲۰۱۸). نوجوانان طبق مطالعات قبلی یکی از گروه های پرخطر در این حیطه می باشند و بالاترین خطر اعتیاد به شبکه های اجتماعی در این گروه مشاهده شده است (راحیم و همکاران، ۲۰۲۱). هوش هیجانی به معنای شناسایی و مدیریت هیجان های خود و دیگران است نوجوانان با هوش هیجانی بالا توانایی کنترل بیشتر هیجان ها را داشته و، دارای ثبات شخصیت هستند و می توانند در تمام شرایط و در مراودات خود با دیگران رفتاری مناسب داشته باشند و بهترین تصمیم گیری را اخذ نمایند. افرادی که از شبکه های مجازی استفاده می کنند باعث شده از نظر هوش هیجانی ضعیف شده و به خوبی نتوانند در دنیای واقعی هیجانان منفی خود را در ارتباط با دیگران کنترل نمایند بنابراین از روابط اجتماعی با دیگران محروم شوند. افراد دارای هوش هیجانی پایین در آگاهی از خویشتن، توانایی خودنگری و تشخیص دادن احساس های خود به همان گونه که وجود دارد، جهت دادن و هدایت عواطف و هیجان ها به سمت وسوی هدف، به تأخیر انداختن خواسته ها، حساسیت نسبت به علاقه مندی ها و احساسات دیگران و تحمل دیدگاه های آن ها و بها دادن به تفاوت های موجود بین مردم در رابطه با احساسات خود نسبت به اشیاء و امور ضعیف عمل می کنند. افت هوش هیجانی بر اثر استفاده از شبکه های مجازی به دفعات استفاده از شبکه های مجازی را راحت تر می کند زیرا استفاده از فضای مجازی می تواند پوششی بر ضعف های آن ها باشد.

همچنین در این پژوهش فرضیه استفاده از شبکه های مجازی با دل بستگی در نوجوانان پسر رابطه دارد مورد تأیید قرار می گیرد. نتایج حاصل با یافته های یونگ و همکاران (۲۰۲۱)، یانگ و همکاران (۲۰۲۰)، ارینزو و همکاران، (۲۰۱۹) و سید موسوی و همکاران (۱۳۹۶) همسو می باشد.

در تبیین این یافته می توان اذعان داشت که دل بستگی به عنوان اولین و مهم ترین رابطه ای که کودکان با مراقبین خود دارند (اغلب مادر اما نه لزوماً) است. تا دهه ۱۹۵۰ اعتقاد بر این بود که کودکان بارها و بارها صرفاً به دلایل بقا به دنبال دل بستگی خود بودند (ارینزو و همکاران، ۲۰۱۹). دل بستگی پیوند عاطفی ای که افراد بین خود و شخص خاص دیگری نه تنها بر اساس غذا، ایمنی و سایر نیازهای بقا ایجاد می کنند است. در نتیجه انسان نیاز به چیزی بیشتر از نیازهای بقا از جمله عشق، محبت و پذیرش دارد. تمایل به جستجوی روابط باعث ایجاد علاقه در مورد راه های مختلفی شد که دل بستگی در میان افراد می تواند توسعه یابد، در حوزه روابط بین فردی، سبک های دل بستگی به عنوان چارچوبی برای آن اتخاذ می شود. افراد با هوش هیجانی پایین احساس

¹. Bilgin, & Taş

². Young

تنهایی بیشتری دارند و اگر تنهایی خانوادگی نیز به آن اضافه گردد نمی توانند در فضای واقعی به دنبال ارتباط مؤثر باشند. زمانی که نوجوان از شبکه های مجازی استفاده می کند، انگیزه اش برای تعامل با دیگران کم می شود که خود اثرات منفی بر ارتباط شخصی و تعاملات اجتماعی او دارد، شبکه های اجتماعی بر نحوه برقراری نوجوان ارتباط با والدین و دوستانش تأثیر می گذارد. استفاده از شبکه های مجازی باعث از بین بردن فرهنگ خانواده و لذت گردهمایی های خانوادگی شده است. نوجوان به ندرت حضوری با والدینش ملاقات می کند. آن ها به اندازه ای که در شبکه های اجتماعی فعال اند از نظر ذهنی در جمع های خانوادگی حضور ندارند و کمتر با خانواده خود صحبت می کنند. ممکن است در جمع ها حضور فیزیکی داشته باشند، اما ذهنشان جای دیگری است و همین مسئله باعث افزایش اختلاف میان نوجوان و والدین و شکاف نسل ها شده است.

هرچه استفاده از شبکه های مجازی بیشتر باشد باعث تضعیف پیوند دل بستگی به والدین و کاهش کیفیت دل بستگی به آن ها می شود. اثرات منفی بر روابط خانوادگی و مهارت های اجتماعی نوجوان می گذارد. و با دوری از خانواده و سردی روابط با والدین حمایت عاطفی آن ها را از دست می دهند. با افزایش میزان استفاده از شبکه های مجازی، کنترل فرزندان توسط والدین، نیز افزایش پیدا می کند. استفاده از شبکه های اجتماعی به انزوای اجتماعی در نوجوان منجر شده و در نتیجه گرایش به سمت افراد جدید مخصوصاً دوستی های مجازی در شبکه های اجتماعی را بیشتر می سازد. از محدودیت های این پژوهش جمع آوری اطلاعات، به روش پرسشنامه ای بوده است و افراد خود، اطلاعات خود را گزارش کرده اند که این امر ممکن است با پدیده سوگیری در پژوهش در ارتباط باشد. زمان بر شدن فرآیند جمع آوری داده ها به دلیل عدم همکاری مدیران مدارس و معلمان و خستگی ناشی از پاسخگویی به سؤالات زیاد پرسشنامه ها و وقت گیر بودن انجام آن از دیگر محدودیت های این پژوهش می باشد. بر این اساس پیشنهاد می شود که ارزیابی شیوه رفتار کاربران در شبکه های اجتماعی از طریق سنجش های عینی و مشاهده ای که بتواند اطلاعات معتبرتری در اختیار پژوهشگر قرار داده و احتمال سوگیری را کاهش دهد، انجام گیرد.

References

- Beheshtian, Mohammad, 2013, the relationship between the components of emotional intelligence and Internet addiction among high school students in Tehran, <https://civilica.com/doc/1206846>.
- Bilgin, O., & Taş, İ. (2018). Effects of perceived social support and psychological resilience on social media addiction among university students. *Universal journal of educational research*. DOI: 10.13189/ujer.2018.060418
- Bozzola, E., Spina, G., Agostiniani, R., Barni, S., Russo, R., Scarpato, E., ... & Staiano, A. (2022). The Use of Social Media in Children and Adolescents: Scoping Review on the Potential Risks. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(16), 9960. <https://doi.org/10.3390/ijerph19169960>.
- D'Arienzo, M. C., Boursier, V., & Griffiths, M. D. (2019). Addiction to social media and attachment styles: A systematic literature review. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 17, 1094-1118. <https://doi.org/10.1007/s11469-019-00082-5>.
- Gómez-Leal, R., Holzer, A. A., Bradley, C., Fernández-Berrocal, P., & Patti, J. (2022). The relationship between emotional intelligence and leadership in school leaders: a systematic review. *Cambridge Journal of Education*, 52(1), 1-21. <https://doi.org/10.1080/0305764X.2021.1927987>.
- Guerra, F., Linz, D., Garcia, R., Kommata, V., Kosiuk, J., Chun, J., ... & Duncker, D. (2022). The use of social media for professional purposes by healthcare professionals: the# intEHRAct survey. *EP Europace*, 24(4), 691-696. doi:10.1093/europace/ euab244.
- Jafari, N., Fatehizadeh, M. (2015). Prediction of Internet addiction based on emotional intelligence in Isfahan University students. *Knowledge and research in applied psychology*, 12(3 (45)), 79-86. SID. <https://sid.ir/paper/163805/fa>.

- López, M. A., Domingo, M. G., Gutiérrez, V. F., & Martínez, R. L. (2022). Emotional intelligence and adult attachment: Effects on problematic smartphone usage. *Anales de Psicología/Annals of Psychology*, 38(1), 36-45. <https://doi.org/10.6018/analesps.463101>
- Nabi, R. L., & Wolfers, L. N. (2022). Does digital media use harm children's emotional intelligence? A parental perspective. *Media and Communication*, 10(1), 350-360. <https://doi.org/10.17645/mac.v10i1.4731>
- Papoutsis, C., Chaidi, I., Drigas, A., Skianis, C., & Karagiannidis, C. (2022). Emotional Intelligence & ICTs for Women and Equality. *Technium Soc. Sci. J.*, 27, 253. www.techniumscience.com.
- Rahim, R., Paracha, S. A., Iqbal, J., & Imran, M. (2021). The role of emotional intelligence in agenda setting: A study of social media. *Journal of Public Affairs*, 21(3), e2421. <https://doi.org/10.1002/pa.2421>
- Sánchez López, M. T., Fernández Berrocal, P., Gómez Leal, R., & Megías Robles, A. (2022). Emotional intelligence and risk behaviour: a risk domain-dependent relationship. *Psicothema*. <https://doi.org/10.7334/psicothema2021.527>.
- Seyed Mousavi, P., Falahat Pisheh Babli, M., Anjem Shua, B. (2016). Investigating the extent, motivations and perception of the consequences of using social networks based on the quality of the attachment relationship and the perception of rejection and parental control in teenagers. *Family Studies*, 13(4), 531-549.
- Stern, J. A., Barbarin, O., & Cassidy, J. (2022). Working toward anti-racist perspectives in attachment theory, research, and practice. *Attachment & Human Development*, 24(3), 392-422. <https://doi.org/10.1080/14616734.2021.1976933>.
- Stieger, S., & Wunderl, S. (2022). Associations between social media use and cognitive abilities: Results from a large-scale study of adolescents. *Computers in Human Behavior*, 135, 107358. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2022.107358>.
- Taherian, M., Delawar, A., Rasouli, M., Aghili, S.V. (2017). The relationship between the use of social networks with cognitive intelligence, emotional intelligence, creativity and personality traits in users. *New Media Studies Quarterly*, 4(15), 1-10. doi: 10.22054/nms.2018.31796.473.
- Thompson, R. A., Simpson, J. A., & Berlin, L. J. (2022). Taking perspective on attachment theory and research: nine fundamental questions. *Attachment & Human Development*, 1-18. <https://doi.org/10.1080/14616734.2022.2030132>
- Vesal, M., Rahimi, C. (2021). The Effect of Social Media Use on Depression in Adolescents: A Systematic Review and Meta-analysis. *J Arak Uni Med Sci*, 24 (1), 2-23 URL: <http://jams.arakmu.ac.ir/article-1-6234-fa.html>
- Worsley, J. D., McIntyre, J. C., Bentall, R. P., & Corcoran, R. (2018). Childhood maltreatment and problematic social media use: The role of attachment and depression. *Psychiatry research*, 267, 88-93. <http://researchonline.ljmu.ac.uk/id/eprint/9037/>
- Yang, M., Hu, S., Kpandika, B. E., & Liu, L. (2021). Effects of social attachment on social media continuous usage intention: the mediating role of affective commitment. *Human Systems Management*, 40(4), 619-631. DOI: 10.3233/HSM-20105
- Young, L., Kolubinski, D. C., & Frings, D. (2020). Attachment style moderates the relationship between social media use and user mental health and wellbeing. *Heliyon*, 6(6)e04056. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e04056>